

ارجحیت نسبی مؤلفه‌های هویت ملی در بین دانشجویان دانشگاه ارومیه

ناصر سلطانی*

E-mail: n.soltani@urmia.ac.ir

حسن قلاوندی**

E-mail: galavandi@gmail.com

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۱/۷/۵

تاریخ دریافت: ۱۳۹۱/۲/۹

چکیده

هویت ملی در هر جامعه‌ای، از عوامل دوام و بقای آن نظام سیاسی و اجتماعی محسوب می‌شود. ایران به‌عنوان کشوری با تنوع فرهنگی، نیازمند تعیین و تعریف مؤلفه‌های هویت‌ساز ملی می‌باشد. هدف اصلی این مطالعه، بررسی و تبیین مؤلفه‌های هویت ملی در بین دانشجویان دانشگاه ارومیه و تعیین ارجحیت نسبی هر یک از این مؤلفه‌ها از دیدگاه جامعه مخاطب می‌باشد؛ از این رو درصدد پاسخ به دو سؤال زیر هستیم: (۱) نوع نگرش دانشجویان مورد مطالعه نسبت به هر یک از مؤلفه‌های هویت ملی چگونه است؟ (۲) ارجحیت نسبی هر یک از این مؤلفه‌ها در بین دانشجویان مورد مطالعه چگونه می‌باشد؟ یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که نگرش دانشجویان مورد مطالعه نسبت به مؤلفه‌های هویت‌ساز جغرافیایی، دینی و سیاسی، فاقد تفاوت معنی‌دار بوده است. اما در سه مؤلفه دیگر تاریخی، فرهنگی و اجتماعی، تفاوت معنی‌دار می‌باشد. هم‌چنین ارجحیت نسبی مؤلفه‌های هویت ملی در بین دانشجویان آذری به ترتیب شامل مؤلفه‌های فرهنگی، دینی، سیاسی، تاریخی، جغرافیایی و اجتماعی و در بین دانشجویان کُرد به ترتیب شامل مؤلفه‌های جغرافیایی، دینی، اجتماعی، تاریخی، سیاسی و فرهنگی بود.

کلیدواژه‌ها: هویت ملی، دانشجویان، آذری‌ها، کردها، دانشگاه ارومیه.

* استادیار جغرافیای سیاسی دانشگاه ارومیه، نویسنده مسئول

** استادیار مدیریت آموزشی دانشگاه ارومیه

مقدمه و طرح مسأله

هویت ملی، یکی از مهم‌ترین اصول حفظ ثبات سیاسی و اجتماعی در بسیاری از جوامع با تنوع فرهنگی می‌باشد. تقویت و تحکیم بنیان‌های هویت ملی، یکی از شاخص‌ترین اهداف نظام‌های سیاسی کشورها می‌باشد. بدین منظور، تلاش‌های زیادی از سوی نظام‌های سیاسی جهت تعیین و تبیین مؤلفه‌های هویت‌ساز صورت می‌گیرد؛ اما واقعیت امر این است که با توجه به اندیشه سیاسی و تفکر حاکم بر نظام سیاسی این دسته از کشورها، وزن و بار عاملی هر یک از این مؤلفه‌ها و یا به عبارتی، مجموع این مؤلفه‌ها، یکسان و به یک اندازه نمی‌باشد.

از سیاست‌ها و شیوه‌های نظری و عملی روند هویت‌سازی در بسیاری از کشورها چنین برمی‌آید که روند مزبور اغلب براساس تفکر و اندیشه نخبگان سیاسی حاکم بر جامعه تدوین و تعیین می‌شوند و جامعه و شرایط حاکم بر ساختار سیاسی، اجتماعی و فرهنگی آن، منفعل در برابر این اتخاذ سیاست‌های هویتی می‌باشد و همین امر، سرآغازی بر بروز چالش‌های هویتی در این جوامع می‌باشد. بنابراین، اگرچه ادعای تقویت و بازتولید هویت ملی در هر جامعه‌ای آن هم با استفاده از تمام مؤلفه‌های هویت‌ساز، واقعیتی انکارناپذیر می‌باشد، اما در بیشتر جوامع، با وجود عدم تأکید روشن، ارجحیت نسبی یک مؤلفه هویت‌ساز نسبت به مؤلفه هویت‌ساز دیگر، هم در بین افکار عمومی آن جامعه و هم در بین نخبگان سیاسی جوامع مزبور، امری بدیهی می‌باشد. به‌عنوان مثال، تأکید رضاشاه (با تأکید بر ایرانی‌گری و نوگرایی) و محمدرضاشاه (با تأکید بر باستان‌گرایی)، از جمله سیاست‌های هویت‌ساز عصر پهلوی در جامعه‌ای محسوب می‌شد که این مؤلفه‌ها، تنها بخشی از عوامل تأثیرگذار بر شکل‌گیری هویت ملی آنها محسوب می‌شد و مؤلفه‌های دینی و مذهبی، کاملاً نادیده گرفته شده بود. سیاست‌های محمدرضاشاه در ملت‌سازی از طریق استراتژی یکسان‌سازی، نتیجه تفکرات جبرگرایانه وی برای ایجاد کشوری یکدست و بدون هرگونه تنوع بود. به عبارتی دیگر، آنچه وی در دو دهه پایانی حکومت خود بدان دست یازید، ناشی از گرایش‌های شخصی او در خلق ملتی بود که ارضاکنده تفکرات نژادی او باشد (افضلی، ۱۳۸۲: ۳۰۹).

اگرچه در این مقاله، هیچ یک از مؤلفه‌های تأثیرگذار بر هویت ملی، نادیده گرفته نشده است، اما در عین حال، بر نابرابر بودن ارزش نسبی این مؤلفه‌های هویت‌ساز ملی نیز تأکید شده است. به‌طورکلی، هدف اصلی مقاله، بررسی و تبیین مؤلفه‌های هویت

ملی در بین دانشجویان گُرد و آذری دانشگاه ارومیه و تعیین ارجحیت نسبی هر کدام یک از مؤلفه‌های مزبور از دیدگاه جامعه مخاطب پژوهش می‌باشد. ضرورت انتخاب موضوع و جامعه مخاطب پژوهش از آن روی بوده است که اولاً به لحاظ موضوعی، بیشتر پژوهش‌های صورت گرفته در این زمینه، درصدد سنجش میزان گرایش به هویت ملی با استناد به مجموع نتایج حاصل از مطالعات میدانی بوده است، اما در این مطالعه، هدف، تعیین ارجحیت نسبی هر یک از مؤلفه‌های هویت‌ساز می‌باشد؛ ثانیاً به لحاظ انتخاب جامعه مخاطب، اهمیت آن در فراگیری طیف قابل توجهی از جامعه توسط قشر دانشجو و تأثیرگذاری این قشر از جامعه در تحولات اجتماعی جامعه می‌باشد.

سؤالات تحقیق

- ۱- نوع نگرش دانشجویان مورد مطالعه نسبت به هر یک از مؤلفه‌های هویت ملی چگونه است؟
- ۲- ارجحیت نسبی هر یک از این مؤلفه‌ها در بین دانشجویان مورد مطالعه چگونه می‌باشد؟

تعریف مفاهیم

اصلی‌ترین متغیر مورد مطالعه در این پژوهش، هویت ملی است. هویت ملی اساس و بنیاد شکل‌گیری ملت است. هویت ملی را می‌توان نوعی احساس تعلق به ملتی خاص دانست؛ ملتی که نمادها، سنت‌ها، مکان‌های مقدس، آداب و رسوم، قهرمانان، تاریخ، فرهنگ و سرزمین معینی دارد (گویرنائو، ۲۰۰۳: ۲۴۳) آنتونی اسمیت نیز هویت ملی را بازتولید و بازتفسیر پایدار ارزش‌ها، نمادها، خاطرات، افسانه‌ها و سنت‌ها می‌داند که عناصر تمایزبخش هر ملتی هستند. احساس تعلق به یک ملت از طریق همین مجموعه صورت می‌گیرد. به عبارت دیگر، افراد به واسطه اشتراک داشتن در این گونه نمادها و نشانه‌ها، با گروهی از انسان‌ها که ملت نام دارد، پیوند می‌یابند و برچسب هویتی می‌خورند (اسمیت، ۱۳۷۹: ۱۸).

پیشینه پژوهش

اگرچه در حوزه تعیین ارجحیت نسبی مؤلفه‌های هویت ملی در ایران، مطالعه قابل توجه و درخوری صورت نگرفته است، اما میزان بررسی و مطالعات صورت گرفته در خصوص مؤلفه‌های هویت‌ساز ملی، قابل توجه می‌باشد. از آنجا که در این مقاله،

مؤلفه‌های هویت ملی مورد بررسی قرار می‌گیرد، بنابراین، مطالعات صورت گرفته در این خصوص، مورد توجه می‌باشد. به‌عنوان مثال، مطالعات زیادی درخصوص رابطه هویت ملی و قومی، هویت ملی و رضایت اجتماعی و یا هویت و متغیرهای اجتماعی و جمعیتی صورت گرفته است، اما این طیف از مطالعات، چندان مدنظر پژوهش حاضر نیستند. به‌طورکلی، پیشینه مطالعات مربوط به موضوع مقاله را در دو طیف می‌توان جای داد:

بخش نخست مطالعات صورت گرفته در حوزه مؤلفه‌های هویت ملی، مربوط به مطالعات نظری بوده است. در این ارتباط، دو مقاله ابوالحسنی (۱۳۸۷) و عبداللهی (۱۳۸۹)، به دلیل رویکردی مروری بر ادبیات مؤلفه‌های هویت ملی، از اعتبار زیادی برخوردار می‌باشند. عبداللهی با بررسی مقالات مطرح در حوزه هویت ملی، به ارائه تحلیلی از رویکرد غالب پژوهشی در این حوزه مبادرت کرده است. تبیین جغرافیایی بنیادهای هویت ملی، از دیگر مقالاتی است که قالیباف و پوینده (۱۳۹۰) درصدد برجسته‌تر کردن نقش و جایگاه بالای مؤلفه جغرافیایی در تکوین هویت ملی بوده است. به همین ترتیب، قمری و حسن‌زاده (۱۳۸۹) در مقاله‌ای به برجسته نمودن مؤلفه زبان در شکل‌دهی به هویت ملی پرداخته‌اند. نظری (۱۳۹۰) نیز از زاویه‌ای دیگر به تأثیرگذاری احزاب سیاسی بر روی هویت ملی پرداخته است.

اما بخش غالب مطالعات، مربوط به مطالعات موردی بوده است که این طیف از مطالعات را می‌توان در دو دسته جای داد: ۱- مطالعاتی که با انتخاب یک قلمرو مکانی، مبادرت به سنجش ابعاد هویت ملی در بین جامعه مورد مطالعه کرده‌اند که در این زمینه می‌توان به کیاکجوری (۱۳۸۶) در بین دانشجویان دانشگاه پیام نور شیراز، ابوالحسنی، (۱۳۸۸) در میان شهروندان تهرانی پرداخته‌اند. ۲- بخش دیگر مطالعات با رویکرد پژوهشی تحلیل محتوا، مبادرت به شناسایی ابعاد هویت ملی در ساختار و محتوای فعالیت‌های مراکز نشر و توسعه فرهنگ ملی کرده‌اند که در این ارتباط می‌توان به مقاله‌های پژوهشی ساعی (۱۳۸۹) درخصوص بازنمایی ابعاد هویت ملی در تلویزیون، مرشدی‌زاده، علی و همکاران (۱۳۸۹) در مورد بازنمایی هویت ملی در نشریات دانشجویی گُردزبان، صالحی و شکیباییان (۱۳۸۶) درخصوص میزان توجه به مؤلفه‌های هویت ملی در کتب درسی دوره آموزش ابتدایی، صالحی و همکاران (۱۳۸۷) در خصوص میزان توجه به مؤلفه‌های هویت ملی در کتب درسی دوره آموزش راهنمایی اشاره کرد.

چارچوب نظری پژوهش الف) هویت ملی و مؤلفه‌های آن

هویت ملی یکی از مهم‌ترین اشکال هویت (احمدی، ۱۳۸۳: ۱۶۹) و در عین حال، فراگیرترین و مشروعتترین سطح هویت در تمام نظام‌های اجتماعی است. (حیدری، ۱۳۸۳: ۳۴۴) اما هر رشته علمی با توجه به خاستگاه، موضوع، اهداف، زمینه مطالعاتی، سطح تحلیل و ابزار تحقیق به گونه‌ای خاص، مبادرت به بهره‌برداری از واژه هویت می‌کند (مقصودی، ۱۳۸۶: ۸۴). گیدنز، هویت را منبع معنا برای کنشگران (نوجه فلاح، ۱۳۸۳: ۴۲) و شیخاوندی آن را مجموعه‌ای از علایم، آثار مادی، زیستی، فرهنگی و روانی می‌داند که موجب شناسایی فرد از فرد، گروه از گروه یا اهلیتی دیگر و فرهنگی از فرهنگ دیگر می‌شود (شیخاوندی، ۱۳۷۹: ۶). در همین ارتباط، هویت ملی، هویت به معنای احساس تعلق خاطر مشترک (وفاداری) و تعهد افراد به اجتماع ملی یا مای عام است (چلبی، ۱۳۷۸: ۳۱).

دیدگاه‌های صاحب‌نظران در خصوص مؤلفه‌ها و عناصر وحدت و همبستگی ملی، متکثر و متنوع است. اتحاد ملی ممکن است بر پایه محورهای مختلفی در یک جامعه شکل بگیرد. میلر (۱۳۷۳) هویت ملی را دارای ابعاد پنج‌گانه باورهای مشترک، تداوم تاریخی، هویت فعال، سرزمین و مکان مشترک و فرهنگ عمومی مشترک می‌داند. در دیدگاه محققانی چون اندرسون، گلنر، گیدنز و اسمیت، سرزمین تاریخی، ریشه‌های قومی و زبانی، نظام‌های اجتماعی، ارزش‌ها و سنت‌های مشترک، نمادهای مشترک فرهنگی به‌عنوان مؤلفه‌های هویت‌ساز ملی تلقی می‌شوند (رائودسپ و ویکات، ۲۰۱۱: ۱۳۱۲).

ربانی و همکاران، هویت ملی را دارای مؤلفه‌های سرزمینی، فرهنگی - اجتماعی، سیاسی و تاریخی در نظر گرفته‌اند (ربانی و همکاران، ۱۳۸۸: ۳۷) برخی ذهنیت و سرگذشت مشترک تاریخی، میراث مشترک فرهنگی، هدف و درد مشترک و دین مشترک را در زمره مؤلفه‌های همبستگی ملی می‌دانند (تاجیک، ۲۰۰۹: ۵۶). و برخی نیز فرهنگ، پرچم، محدوده جغرافیایی و زبان را به‌عنوان عناصر همبستگی و وحدت ملی برمی‌شمارند (زیباکلام، ۱۳۷۹: ۲۳) به شکلی دیگر، سرزمین، دولت، دین و مذهب، زبان رسمی مشترک، آداب و رسوم و تاریخ مشترک، عناصر سازنده هویت ملی هستند (قاسمی، ۱۳۹۰: ۱۱۱).

اما در یک رویکرد جامع و براساس این تعریف که هویت ملی، فرآیند پاسخگویی آگاهانه یک ملت به پرسش‌های پیرامون خود است، می‌توان از ابعاد مختلف اجتماعی،

تاریخی، جغرافیایی، سیاسی، دینی، فرهنگی و زبانی - ادبی هویت ملی سخن گفت (حاجیانی، ۱۳۷۹: ۱۹۳).

ب) هویت ملی در ایران و مؤلفه‌های آن

جهت تکوین هویت ملی در ایران، تلاش‌ها و اقدامات زیادی در قالب سیاست‌گذاری‌ها و با توجه به نظام سیاسی حاکم و شرایط حاکم بر جامعه اتخاذ شده است. با توجه به این دو متغیر و در هر شرایط زمانی، شاهد ترجیح و اهمیت نسبی نخبگان سیاسی بر روی مؤلفه‌های تکوین هویت ملی در کشور بوده‌ایم. در اصول مختلف قانون اساسی، از جمله در اصول ۱، ۳، ۵، ۶، ۷، ۹، ۱۱، ۱۲، ۱۳، ۱۵، ۱۶، ۱۹، ۲۰، ۲۲، ۲۳، ۲۴، ۲۶، ۲۷ و ۲۸ ضمن تکیه بر حفظ آزادی و استقلال و تمامیت ارضی جمهوری اسلامی، به لایه‌های مختلف هویتی به‌ویژه به ایرانیت و اسلامیت نظام احترام گذاشته شد و روابط عادلانه بین گروه‌های اجتماعی، مذاهب و ادیان مدنظر قرار گرفت.

نظری (۱۳۹۰) در تشریح ابعاد هویت ملی در ایران، به مجموعه‌ای از مؤلفه‌ها و شاخصه‌های هویت ملی اشاره می‌کند که دربرگیرنده عناصر هویت‌ساز کلاسیک و مدرن می‌باشد. عناصری چون دین، تاریخ، جمعیت، زبان، سرزمین، اقوام و مذاهب به‌عنوان شاخصه‌های کلاسیک و عناصری چون وفاق و همبستگی، جنگ تحمیلی و تنوع و تفاوت به‌عنوان شاخصه‌های مدرن هویت‌ساز ملی، مطرح می‌شوند.

برخی ایران‌گرایی، اسلام‌گرایی و نوگرایی را از جمله مهم‌ترین مؤلفه‌های هویت ملی قلمداد می‌کنند (کریمی‌فرد، ۱۳۸۸: ۱۵۵)، عوامل جمعیت‌شناختی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی، از دیگر ارکان اصلی مؤلفه‌های هویت ملی محسوب می‌شوند (لهسایی‌زاده، عبدالعلی و همکاران ۱۳۸۸: ۵۴؛ هرسیچ، ۱۳۸۹: ۱۵۱) نیز مؤلفه‌ها و جوه هویت ایرانی را در چهار دسته منابع هویت‌ساز ایرانیت (چون تاریخ، تمدن و فرهنگ مشترک ایرانیان، زبان و دیبایات پارسی، سرزمین مشترک و جغرافیای ایران، اسطوره‌های مشترک)، اسلامیت (چون روح معنویت، تعبد و توحید، اسلام مبتنی بر معارف قرآن و مؤدّت اهل بیت)، سنت (چون عدالت، بیدادستیزی، دادگری و برابری، جوانمردی و فتوت) و نوگرایی (چون دولت ملی، مردم‌سالاری و آزادمنشی) دسته‌بندی کرد. سرزمین، دین و آیین، آداب و مناسک، تاریخ، زبان و ادبیات، مردم و دولت از جمله مؤلفه‌هایی هستند که در صورت تعلق و وفاداری اعضای یک جامعه بدان‌ها، به‌عنوان عناصر و نمادهای احساس هویت ملی تلقی می‌شوند (یوسفی، ۱۳۸۰: ۷۴).

روش تحقیق

روش پژوهش، تحلیلی - پیمایشی است. بدین منظور، مؤلفه‌های جغرافیایی، تاریخی، دینی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی، به‌عنوان ۶ مؤلفه اصلی پژوهش انتخاب شدند. با توجه به مؤلفه‌های انتخاب شده، مبادرت به گویه‌سازی برای هر یک از مؤلفه‌ها گردید. در این مرحله، برای هر یک از مؤلفه‌ها، ۱۰ سؤال و در مجموع ۶۰ سؤال در قالب یک پرسشنامه با طیف بوگاردوس (۱ تا ۷) ساخته شد. (جدول ۱)

جامعه آماری پژوهش دانشجویان سال تحصیلی ۹۱-۹۰، دانشگاه ارومیه می‌باشد. تعداد دانشجویان این دانشگاه، ۱۹۵۰۰ نفر بود که براساس جدول مورگان، حجم نمونه برابر با ۳۷۷ مورد خواهد بود.

جدول شماره ۱: مؤلفه‌ها و گویه‌های هویت ملی مورد مطالعه در این پژوهش

ردیف	مؤلفه	گویه‌ها
۱	احساس	احساس غرور و افتخار، احساس سعادت و خوشبختی، تأکید بر وحدت سرزمینی، احساس ایثار و فداکاری، تعلق سرزمینی، احساس پابندی، حس برتری، احساس خوشآیندی، مقبولیت، داشتن تعهد و مسئولیت
۲	تاریخ	تأکید بر تاریخ باستان، نقش سازنده تاریخ، انحصارزدایی تاریخی، تأکید بر تاریخ اسلام و باستان، اهمیت به تاریخ تمام گروه‌های اجتماعی، استفاده از تجارب تاریخی، حمایت از تاریخ ملی، حفاظت از میراث تاریخی، افتخار بر گذشته تاریخی، تأکید بر تاریخ‌نگاری
۳	دین	نقش کارکردی دین، نقش وحدت‌آفرین دین، اهمیت نهادینه‌سازی دین، نقش سازنده نهادهای دینی، مکمل بودن جمهوریت و اسلامیت، مکمل بودن اسلامیت و ایرانیت، تأثیر عناصر دینی، تفکر فرامذهبی، نقش پیوند دهنده دین، وابستگی دین و سیاست
۴	فرهنگ	پذیرش اصالت فرهنگی، پذیرش نمادهای فرهنگی، احترام به فرهنگ محلی، نقش میراث فرهنگی، نقش رسانه ملی، نقش آموزش، نقش پژوهش، تأثیر سازمان‌های فرهنگی در فرهنگ، معرفی ابعاد گوناگون فرهنگ‌ها، نقش تبلیغات و اطلاع‌رسانی
۵	اجتماعی	محوریت جامعه، روحیه همکاری، احساس همدردی، پذیرش اجتماعی، تعهد اجتماعی، ضرورت تفکر جمعی، اصالت اجتماعی، وحدت اجتماعی، تفکر فراگروهی، مشارکت اجتماعی

سیاسی	میزان مقبولیت نظام سیاسی، شرایط اداری - سیاسی کشور، اعتقاد به نظام واحد سیاسی، اعتقاد به نظام مشارکت سیاسی، اعتقاد به آزادی‌های سیاسی، اعتقاد به سیاست‌گذاری‌ها و تصمیم‌گیری‌ها، اعتقاد به ساختار سیاسی حاکم، احترام به قوانین، پابندی به اصول نظام سیاسی، میزان مشروعیت نظام سیاسی
-------	---

یافته‌های پژوهش

مباحث مطرح در این بخش، مبتنی بر داده‌های مستخرج از ابزار پژوهش یا همان پرسشنامه می‌باشد که شامل دو بخش خواهد شد. در بخش نخست، معناداری یا نامعناداری هر یک از مؤلفه‌های هویت‌ساز را از دیدگاه دانشجویان مورد مطالعه، مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرد. در بخش دوم، ارجحیت نسبی هر یک از مؤلفه‌های مذکور را به صورت جداگانه مشخص کرده و تحلیلی تلفیقی از نتایج بدست آمده ارائه خواهد شد.

الف) ادراک دانشجویان نسبت به مؤلفه‌های هویت ملی

۱- ده سؤال ابتدایی پرسشنامه، مربوط به مؤلفه جغرافیایی هویت‌ساز می‌باشد؛ بدین منظور، از ده گویه در قالب ده سؤال، جهت سنجش دیدگاه و نوع نگرش دو گروه مورد مطالعه استفاده شد. داده‌های توصیفی حاصل از پرسشنامه نشان می‌دهد که بیشترین درصد فراوانی در ده سؤال، در بین دانشجویان آذری، به ترتیب مربوط به گویه‌های حس برتری به سرزمین ایران با ۵۲/۲ درصد فراوانی، احساس خوشایندی نسبت به تمام نقاط سرزمین ایران با ۵۰/۷ درصد و تعلق سرزمینی با ۵۰/۷ درصد می‌باشد. در بین دانشجویان کُرد نیز، به ترتیب مربوط به گویه‌های تعلق سرزمینی با ۵۶/۸ درصد فراوانی، احساس ایثار و فداکاری با ۵۴/۱ درصد و حس برتری به سرزمین ایران با ۵۲/۳ درصد به ترتیب در اهمیت یک تا سه قرار دارند. به‌طورکلی، با توجه به آزمون آماری، نتایج بدست آمده از ده سؤال نخست پرسشنامه، مربوط به مؤلفه جغرافیایی، تفاوت معنی‌داری بین دیدگاه‌های دانشجویان آذری و کُرد دانشگاه وجود ندارد و همه آنها نگاه مثبتی به سرزمین و جغرافیای ایران دارند.

۲- سؤالات ۱۰ تا ۲۰ پرسشنامه، مربوط به مؤلفه تاریخی هویت‌ساز می‌باشد؛ بدین منظور، از ده گویه در قالب ده سؤال، جهت سنجش دیدگاه و نوع نگرش دو گروه مورد مطالعه استفاده شد. داده‌های توصیفی حاصل از پرسشنامه نشان می‌دهد که بیشترین درصد فراوانی در ده سؤال، در بین دانشجویان آذری، به ترتیب مربوط به

گویه‌های انحصارزدایی تاریخی با ۵۰/۷ درصد فراوانی، حفاظت از میراث تاریخی با ۴۹/۳ درصد و حمایت از تاریخ ملی با ۴۷/۸ درصد می‌باشد. در بین دانشجویان کُرد نیز، به ترتیب مربوط به گویه‌های اذعان به نقش سازنده تاریخ با ۴۹/۵ درصد فراوانی، انحصارزدایی تاریخی با ۳۹/۶ درصد و حفاظت از میراث تاریخی با ۳۸/۶ درصد به ترتیب در اهمیت یک تا سه قرار دارند. به‌طورکلی، با توجه به آزمون آماری، نتایج بدست آمده از سؤالات ۱۰ تا ۲۰ پرسشنامه، مربوط به مؤلفه تاریخی هویت‌ساز نشان می‌دهد که در مؤلفه تاریخی، تفاوت معنی‌داری بین دیدگاه‌های دانشجویان آذری و کُرد دانشگاه وجود دارد. تفاوت دو گروه مورد مطالعه در نوع نگرش آنها به مؤلفه تاریخی به‌عنوان یک عامل سازنده هویت ملی در این است که دانشجویان کُرد، نگرش مثبت‌تری به مؤلفه تاریخی ملی و تأثیر آن در شکل‌دهی به هویت ملی دارند.

۳- سؤالات ۲۰ تا ۳۰ پرسشنامه، مربوط به مؤلفه دینی هویت‌ساز می‌باشد؛ بدین منظور، از ده گویه در قالب ده سؤال، جهت سنجش دیدگاه و نوع نگرش دو گروه مورد مطالعه استفاده شد. داده‌های توصیفی حاصل از پرسشنامه نشان می‌دهد که بیشترین درصد فراوانی در ده سؤال مزبور، در بین دانشجویان آذری، به ترتیب مربوط به گویه‌های مکمل بودن جمهوریت و اسلامیت با ۵۵ درصد فراوانی، اهمیت نهادینه‌سازی دین با ۵۳/۶ درصد و نقش سازنده نهادهای دینی با ۴۹/۸ درصد می‌باشد. در بین دانشجویان کُرد نیز، به ترتیب مربوط به گویه‌های مکمل بودن اسلامیت و ایرانیت با ۵۶/۸ درصد فراوانی، تأثیر عناصر دینی با ۵۴/۱ درصد و مکمل بودن جمهوریت و اسلامیت با ۵۱/۴ درصد به ترتیب در اهمیت یک تا سه قرار دارند. به‌طورکلی، با توجه به آزمون آماری، نتایج بدست آمده از سؤالات ۲۰ تا ۳۰ پرسشنامه، مربوط به مؤلفه دینی هویت‌ساز نشان می‌دهد که در مؤلفه دینی، تفاوت معنی‌داری بین دیدگاه‌های دانشجویان آذری و کُرد دانشگاه وجود ندارد. عمده‌ترین دلیل این عدم معنی‌داری تفاوت بین دیدگاه‌های دانشجویان مورد مطالعه، اعتقاد هر دو گروه به نقش سازنده دین اسلام (فارغ از هر گونه گرایش‌های مذهبی) در شکل‌دهی به هویت ملی می‌باشد.

۴- سؤالات ۳۰ تا ۴۰ پرسشنامه، مربوط به مؤلفه فرهنگی هویت‌ساز می‌باشد؛ بدین منظور، از ده گویه در قالب ده سؤال، جهت سنجش دیدگاه و نوع نگرش دو گروه مورد مطالعه استفاده شد. داده‌های توصیفی حاصل از پرسشنامه نشان می‌دهد که بیشترین درصد فراوانی در ده سؤال مزبور، در بین دانشجویان آذری، به ترتیب مربوط به گویه‌های نقش پژوهش با ۴۹/۳ درصد فراوانی، پذیرش اصالت فرهنگی با ۴۶/۴

درصد و نقش رسانه ملی با $۴۶/۴$ درصد می‌باشد. در بین دانشجویان کُرد نیز، به ترتیب مربوط به گویه‌های نقش رسانه ملی با $۴۸/۶$ درصد فراوانی، نقش آموزش با ۴۵ درصد و نقش میراث فرهنگی با $۳۷/۸$ درصد به ترتیب در اهمیت یک تا سه قرار دارند. به‌طور کلی، با توجه به آزمون آماری، نتایج بدست آمده از سؤالات ۳۰ تا ۴۰ پرسشنامه، مربوط به مؤلفه فرهنگی هویت‌ساز ملی نشان می‌دهد که در مؤلفه فرهنگی، تفاوت معنی‌داری بین دیدگاه‌های دانشجویان آذری و کُرد دانشگاه وجود دارد. یکی از مهم‌ترین دلایل این تفاوت، برجسته بودن نقش و جایگاه مطالبات فرهنگی در بین دانشجویان آذری در مقایسه با دانشجویان کُرد می‌باشد.

۵- سؤالات ۴۰ تا ۵۰ پرسشنامه، مربوط به مؤلفه اجتماعی هویت‌ساز می‌باشد؛ بدین منظور، از ده گویه در قالب ده سؤال، جهت سنجش دیدگاه و نوع نگرش دو گروه مورد مطالعه استفاده شد. داده‌های توصیفی حاصل از پرسشنامه نشان می‌دهد که بیشترین درصد فراوانی در ده سؤال مزبور، در بین دانشجویان آذری، به ترتیب مربوط به گویه‌های احساس همدردی با $۵۹/۸$ درصد فراوانی، روحیه همکاری با $۵۰/۲$ درصد و تفکر فراگروهی با ۴۵ درصد می‌باشد. در بین دانشجویان کُرد نیز، به ترتیب مربوط به گویه‌های وحدت اجتماعی با $۵۲/۳$ درصد فراوانی، تفکر فراگروهی با $۴۷/۷$ درصد و پذیرش اجتماعی با $۴۰/۵$ درصد به ترتیب در اهمیت یک تا سه قرار دارند. به‌طور کلی، با توجه به آزمون آماری، نتایج بدست آمده از سؤالات ۴۰ تا ۵۰ پرسشنامه، مربوط به مؤلفه اجتماعی هویت‌ساز نشان می‌دهد که در مؤلفه اجتماعی، تفاوت معنی‌داری بین دیدگاه‌های دانشجویان آذری و کُرد دانشگاه وجود دارد.

۶- ده سؤال آخر پرسشنامه، مربوط به مؤلفه سیاسی هویت‌ساز می‌باشد؛ بدین منظور، از ده گویه در قالب ده سؤال، جهت سنجش دیدگاه و نوع نگرش دو گروه مورد مطالعه استفاده شد. داده‌های توصیفی حاصل از پرسشنامه نشان می‌دهد که بیشترین درصد فراوانی در ده سؤال مزبور، در بین دانشجویان آذری، به ترتیب مربوط به گویه‌های اعتقاد به ساختار سیاسی حاکم با $۴۶/۹$ درصد فراوانی، اعتقاد به آزادی‌های سیاسی با $۴۳/۵$ درصد و پابندی به اصول نظام سیاسی با $۴۳/۱$ درصد می‌باشد. در بین دانشجویان کُرد نیز، به ترتیب مربوط به گویه‌های اعتقاد به آزادی‌های سیاسی با $۴۹/۵$ درصد فراوانی، اعتقاد به ساختار سیاسی حاکم با $۴۱/۴$ درصد و اعتقاد به سیاستگذاری‌ها و تصمیم‌گیری‌ها با $۳۸/۷$ درصد به ترتیب در اهمیت یک تا سه قرار دارند. به‌طور کلی، با توجه به آزمون آماری، نتایج بدست آمده از سؤالات ۵۰ تا ۶۰

پرسشنامه، مربوط به مؤلفه سیاسی هویت‌ساز نشان می‌دهد که در مؤلفه سیاسی، تفاوت معنی‌داری بین دیدگاه‌های دانشجویان آذری و کُرد دانشگاه وجود ندارد. یافته‌های این بخش نشان می‌دهد که تحقق نقش سازنده مؤلفه سیاسی در شکل‌دهی به هویت ملی، نیازمند بازبینی سیاست‌ها و شیوه‌های اجرایی است.

۷- با توجه به داده‌های کلی پرسشنامه، نتایج بدست آمده از تحقیق نشان می‌دهد که میانگین مورد انتظار جامعه مورد مطالعه درخصوص مؤلفه‌های هویت ملی، بالاتر بوده و در بیشتر گویه‌های مورد بررسی، دیدگاه‌های پاسخگویان، متمرکز بر دو طیف ۶ و ۷ بوده است.

جدول شماره ۲: دیدگاه دانشجویان مورد مطالعه درخصوص مؤلفه‌های هویت‌ساز ملی

مؤلفه	دانشجویان	میانگین	انحراف استاندارد	آزمون t	سطح معنی‌داری
جغرافیایی	آذری	۵/۸۳	۰/۵۹	-۰/۲۶۷	۰/۷۸۹
	کُرد	۶/۰۴	۰/۵۵		
تاریخی	آذری	۵/۹۵	۰/۵۱	۲/۹۴	۰/۱۰۰۴
	کُرد	۵/۸۵	۰/۴۷		
دینی	آذری	۶/۰۱	۰/۵۵	۰/۶۷۱	۰/۵۰۳
	کُرد	۶/۰۲	۰/۵۸		
فرهنگی	آذری	۶/۰۲	۰/۵۹	۶/۱۶	۰/۱۰۰۰
	کُرد	۵/۴۸	۰/۶۳		
اجتماعی	آذری	۵/۶۶	۰/۵۲	۲/۱	۰/۱۰۳۷
	کُرد	۵/۸۶	۰/۵۰		
سیاسی	آذری	۵/۹۷	۰/۵۹	۰/۵۳۵	۰/۵۹۳
	کُرد	۵/۸	۰/۵۶		

ب) ارجحیت نسبی مؤلفه‌های هویت‌ساز ملی در بین دانشجویان

مهم‌ترین بخش پژوهش حاضر، تعیین ارجحیت نسبی هر یک از مؤلفه‌های هویت‌ساز در بین دانشجویان مورد مطالعه می‌باشد. بدون تردید، این بخش درصدد تأکید بر این مهم است که وزن مؤلفه‌های هویت‌ساز ملی از دیدگاه دانشجویان مورد مطالعه به صورت یکسان و هم‌وزن نمی‌باشد و تفاوتی بین این مؤلفه‌ها وجود دارد. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که استناد به میانگین مؤلفه‌های هویت‌ساز برای

دانشجویان گُرد و آذری، شاخص مناسبی برای ارزیابی ارجحیت نسبی این مؤلفه‌ها می‌باشد. برای دانشجویان آذری مورد مطالعه در این پژوهش، اهمیت مؤلفه فرهنگی از درجه و اعتبار بالایی برخوردار می‌باشد. این مهم، نه تنها در بین جامعه دانشگاهی، بلکه در بین عامه مردم نیز از اهمیت بالایی برخوردار می‌باشد. اعتقاد به اصل فراگیری فرهنگ ایرانی، ضرورت احترام به فرهنگ گروه‌های اجتماعی و تجدیدنظر در برخی تصمیمات و برنامه‌های سازمان‌های متولی امور فرهنگی از مهم‌ترین محورهای مؤلفه فرهنگی می‌باشد. با یک فاصله نه چندان زیاد، مؤلفه هویت‌ساز دینی، در رتبه بعد از مؤلفه فرهنگی قرار گرفت. ظرفیت بالای پیونددهنده دین اسلام، مکمل بودن جمهوریت و اسلامیت و هم‌چنین ایرانیت و اسلامیت و در نهایت برداشت و استفاده درست از عامل دین در حل مسائل جامعه، از جمله محورهای این مؤلفه از منظر دانشجویان آذری بوده است. پس از دو مؤلفه فرهنگی و دینی، مؤلفه سیاسی به‌عنوان سومین مؤلفه هویت‌ساز ملی از منظر دانشجویان انتخاب شد. نهادینه شدن اصل مردم‌سالاری دینی، قانون‌گذاری مبتنی بر اصل فراگیری، باز شدن عرصه‌های مشارکت سیاسی و در نهایت، نهادینه شدن آزادی‌های مدنی از جمله محورهای مورد انتظار دانشجویان آذری در مؤلفه سیاسی هویت‌ساز می‌باشد.

جدول شماره ۳: ارجحیت نسبی مؤلفه‌های هویت‌ساز ملی در بین دانشجویان آذری

ردیف	ارجحیت	میانگین	مؤلفه
۱	۵	۵/۸۳	جغرافیایی
۲	۴	۵/۹۵	تاریخی
۳	۲	۶/۰۱	دینی
۴	۱	۶/۰۲	فرهنگی
۵	۳	۵/۹۷	سیاسی
۶	۶	۵/۶۶	اجتماعی

برای دانشجویان گُرد مورد مطالعه در این پژوهش، مؤلفه جغرافیایی از درجه و اعتبار بالایی برخوردار می‌باشد. به نظر نگارندگان، یکی از دلایل این امر، اعتقاد بخش قابل توجهی از جامعه مورد مطالعه (به مانند دیگر گُرد زبانان) بر پیوستگی بسیار بالای کردهای ایران با سرزمین ایران در مقایسه با دیگر کشورهای همجوار دارای مناطق کردنشین می‌باشد. در واقع، پذیرش اصل ایرانی بودن تمام بخش‌های کردستان

کشورهای همجوار در برهه‌ای از تاریخ توسط نخبگان برجسته کرد، دلیلی دیگر بر اهمیت مؤلفه جغرافیایی در بین جامعه مورد مطالعه نیز می‌باشد. ارجحیت بالای مؤلفه دینی به‌عنوان یکی از منابع مهم هویت‌ساز در بین دانشجویان گُردزبان، از جمله موارد کاملاً قابل تأمل در این رابطه می‌باشد. مواردی چون کارکرد وحدت‌بخش دین اسلام، ترجیح دین اسلام به یک مذهب خاص و پیوند بسیار نزدیک ایرانیت - اسلامیت و جمهوریت و اسلامیت از موارد مورد تأکید دانشجویان گُرد بوده است. دلیل اهمیت محورهای طرح شده در مؤلفه دینی، احساس بالای همگونی گُردها در عناصر دینی با جامعه ایرانی می‌باشد.

جدول شماره ۴: ارجحیت نسبی مؤلفه‌های هویت‌ساز ملی در بین دانشجویان گُرد

ردیف	ارجحیت	میانگین	مؤلفه
۱	۱	۶/۰۴	جغرافیایی
۲	۴	۵/۸۵	تاریخی
۳	۲	۶/۰۲	دینی
۴	۶	۵/۴۸	فرهنگی
۵	۵	۵/۷۹	سیاسی
۶	۳	۵/۸۶	اجتماعی

نتیجه‌گیری

مشخص کردن معنی‌دار بودن یا نبودن دیدگاه‌های دو گروه مورد مطالعه در خصوص مؤلفه‌های هویت ملی، هدف نخست این مطالعه محسوب می‌شد. یافته‌ها نشان داد که در مؤلفه‌های جغرافیایی، دینی و سیاسی، تفاوت معناداری بین دیدگاه‌های دو گروه مورد مطالعه پژوهش وجود ندارد. به عبارتی دیگر، دیدگاه‌های هر دو گروه، نزدیکی بیشتری را در ارتباط با این مؤلفه‌ها از خود نشان می‌دهد. اما نوع نگاه دو گروه مورد مطالعه در ارتباط با مؤلفه‌های هویت‌ساز تاریخی، فرهنگی و اجتماعی، تفاوت محسوسی را نشان می‌دهد و این تفاوت معنادار می‌باشد.

معنادار بودن تفاوت دیدگاه‌های دو گروه در مؤلفه فرهنگی نشان می‌دهد که بخش قابل توجهی از شاخصه‌های فرهنگ ملی، مورد قبول گروه‌های گُردی می‌باشد. اگر چه میزان این پذیرش فرهنگ ملی، در بین جامعه مورد مطالعه آذری‌ها هم مورد قبول می‌باشد، اما انتقادهایی هم در برخی از این شاخص‌ها وجود دارد.

اگرچه در دو مؤلفه تاریخی و فرهنگی، انتقاد جامعه آماری آذری‌ها در مقایسه با کردها نسبت به این دو مؤلفه هویت‌ساز ملی مشهود می‌باشد، اما در مؤلفه اجتماعی، انتقاد جامعه آماری کردها در مقایسه با آذری‌ها مشهودتر می‌باشد. پایین بودن میزان اختلاط اجتماعی در مقایسه با آذری‌ها از جمله دلایل معنادار بودن تفاوت دیدگاه‌های دو گروه مزبور در مؤلفه اجتماعی می‌باشد.

راهبردهای پیشنهادی

پس از استخراج و تحلیل نتایج پژوهش، پیشنهاداتی در جهت ارتقاء همگرایی ارائه می‌شود. این پیشنهادات، برگرفته از نتایج ابزار پژوهش می‌باشد که دو گروه مورد مطالعه بر آن تأکید بیشتر داشته‌اند:

جدول شماره ۵: راهبردهای پیشنهادی

ردیف	راهبرد پیشنهادی	مؤلفه هویت ملی
۱	معرفی و بازنمایی از تمام مناطق و نقاط کشور، برجسته‌سازی ظرفیت‌های طبیعی و انسانی تمام مناطق کشور، استفاده از اهرم بسیار کارآمد عدالت سرزمینی جهت تقویت هویت ملی، تقویت احساس تعلق و وفاداری به عناصر و نمادهای مشترک در مناطق مختلف.	جغرافیایی
۲	تأکید بیشتر بر تاریخ تحلیلی در مقایسه با تاریخ توصیفی و روایی در متون درسی مدارس و دانشگاه‌ها، حفاظت از نمادهای تاریخی ملت ایران، تأکید بیشتر بر رویدادهای تاریخی ملی چون انقلاب اسلامی و انقلاب مشروطیت، تأکید بر میراث تاریخی مردم ایران، تأکید بر نقش سازنده تمام گروه‌ها و افراد جامعه ایران در تکوین تاریخ ملی ایران.	تاریخی
۳	استفاده از دین اسلام به‌عنوان یک عامل پیوند دهنده گروه‌های مختلف اجتماعی، تأکید هم‌زمان به دو عنصر کلیدی جامعه یعنی اسلامیت و ایرانیت، تأکید هم‌زمان به دو عنصر کلیدی جامعه یعنی جمهوریت و اسلامیت.	دینی
۴	تبلیغ فرهنگ ایرانی - اسلامی به‌عنوان یک فرهنگ فراگیر، نهادینه کردن احترام به فرهنگ تمام گروه‌های اجتماعی مردم ایران، صیانت از میراث فرهنگی مناطق کشور، توجه بیشتر به فرهنگ مناطق مختلف کشور در رسانه ملی و نظام آموزشی و پژوهشی، تجدیدنظر در برخی سیاست‌ها، تصمیمات و برنامه‌های سازمان‌های متولی امور فرهنگی، برگزاری جشنواره‌ها و نمایشگاه‌های فرهنگی در مناطق مختلف کشور، تبلیغ و اطلاع‌رسانی بیشتر در	فرهنگی

	خصوص فرهنگ ملی فراگیر، تدوین سیاست‌های فرهنگی کارآمد در خصوص جوانان به‌عنوان سرمایه‌های ارزشمند برای هدایت	
سیاسی	نهاده‌کردن نقش مردم در کشور، سیاست‌گذاری، تصمیم‌گیری و برنامه‌ریزی مبتنی بر تأمین منافع اکثریت جامعه، تلاش برای عمل نسبی به تمام اصول قانون اساسی، نهاده‌کردن نقش و جایگاه آزادی‌های سیاسی چون آزادی مطبوعات، تشکیل احزاب.	۵
اجتماعی	زمینه‌سازی برای طرح و پیگیری درخواست‌های اجتماعی قانونی گروه‌های اجتماعی، افزایش زمینه‌های مشارکت اجتماعی گروه‌های اجتماعی، نهاده‌کردن ایده تأمین منافع ملی، نهاده‌کردن ایده شهروندمحوری، تشریح و تبلیغ مفهوم هویت ملی به‌عنوان یک هویت اجتماعی فراگیر از سوی بخش‌های متولی.	۶



منابع

- ابوالحسنی، سیدرحیم (۱۳۸۷)؛ مؤلفه‌های هویت ملی با رویکرد پژوهشی، *فصلنامه سیاست*، دوره ۳۸، ش ۴، صص ۱-۲۲.
- (۱۳۸۸)؛ سازگاری هویت‌ها در فرهنگ ایرانی (مطالعه موردی: شهروندان تهرانی)، *فصلنامه سیاست*، دوره ۳۹، ش ۲، صص ۲۳-۴۹.
- احمدی، حمید (۱۳۸۳)؛ «هویت و قومیت در ایران»، در کتاب *هویت در ایران*، به اهتمام علی‌اکبر علیخانی، تهران، پژوهشکده علوم انسانی و اجتماعی جهاد دانشگاهی.
- اسمیت، آنتونی (۱۳۷۹)؛ فرهنگ، اجتماع و سرزمین: سیاست، قومیت و ناسیونالیسم، ترجمه نورا... قیصری، *فصلنامه مطالعات ملی*، س ۲، ش ۴، صص ۱۷۹-۲۱۱.
- افضلی، رسول (۱۳۸۲)؛ *آسیب‌شناسی دولت مدرن در ایران*، پایان‌نامه دکتری رشته علوم سیاسی دانشگاه تهران.
- تاجیک، محمدرضا (۱۳۷۹)؛ میزگرد وفاق اجتماعی، *فصلنامه مطالعات ملی*، س ۲، ش ۲، صص ۳۱-۸۲.
- چلبی، مسعود (۱۳۷۸)؛ وفاق اجتماعی، *نامه علوم اجتماعی*، ج ۲، ش ۷، صص ۱۵-۲۸.
- حاجیان، ابراهیم (۱۳۷۹)؛ تحلیل جامعه‌شناختی هویت ملی در ایران و طرح چند فرضیه، *فصلنامه مطالعات ملی*، س ۲، ش ۵، صص ۱۹۳-۲۲۸.
- حیدری، محمد (۱۳۸۳) *هویت و امنیت ملی*، در کتاب *مبانی نظری هویت و بحران هویت*، به اهتمام علی‌اکبر علیخانی، تهران، پژوهشکده علوم انسانی و اجتماعی جهاد دانشگاهی.
- ربانی، علی و همکاران (۱۳۸۷)؛ بررسی رابطه هویت ملی و قومی با تأکید بر احساس محرومیت نسبی و جامعه‌پذیری قومی، مطالعه موردی دانشجویان آذری، *فصلنامه مسائل اجتماعی ایران*، س ۱۶، ش ۶۳، صص ۳۳-۶۹.
- زیباکلام، صادق (۱۳۷۹)؛ میزگرد پیرامون همبستگی ملی و وفاق اجتماعی، *فصلنامه مطالعات ملی*، س ۲، ش ۱، صص ۳-۲۳.
- ساعی، منصور (۱۳۸۹)؛ بازنمایی ابعاد تاریخی و سیاسی هویت ملی در تلویزیون جمهوری اسلامی ایران (مطالعه موردی سریال‌های تلویزیونی تاریخی در سه دهه پس از انقلاب اسلامی ایران)، دوره جدید، ش ۷، صص ۱۱۳-۱۴۲.
- شیخاوندی، داور (۱۳۷۹)؛ *تکوین و تنفیذ هویت ایرانی*، تهران: انتشارات باز، مرکز بازشناسی اسلام و ایران.
- صالحی‌عمران، ابراهیم و طناز شکیبیان (۱۳۸۶)؛ بررسی میزان توجه به مؤلفه‌های هویت ملی در کتاب‌های درسی دوره آموزش ابتدایی، *مطالعات ملی*، ۸(۱)، صص ۶۳-۸۴.
- صالحی‌عمران، ابراهیم و همکاران (۱۳۸۶)؛ بررسی میزان توجه به مؤلفه‌های هویت ملی در کتاب‌های درسی دوره راهنمایی، *مطالعات ملی*، ۹(۳)، صص ۳-۲۵.
- عبداللهی، محمد (۱۳۸۹)؛ هویت ملی در ایران؛ فراتحلیل مقاله‌های فارسی موجود، *فصلنامه علوم اجتماعی*، س ۱۹، ش ۵۰، صص ۱-۳۵.
- علم، محمدرضا و محمدعلی جودکی (۱۳۸۸)؛ مؤلفه‌های هویت ملی در دیوان عارف قزوینی، *مطالعات ملی*، ۱۰(۳)، صص ۳-۲۵.

- قاسمی، علی اصغر و غلامرضا ابراهیم‌آبادی (۱۳۹۰)؛ نسبت هویت ملی و وحدت ملی در ایران، *فصلنامه راهبرد*، س ۲۰، ش ۵۹، صص ۱۰۷-۱۳۸.
- قالیاف، محمدباقر و محمدهادی پورینده (۱۳۹۰)؛ تبیین جغرافیایی بنیادهای هویت ملی (مطالعه موردی: ایران)، *مطالعات ملی*، ۱۲ (۱)، صص ۴۵-۶۲.
- قمری، محمدرضا و محمد حسن‌زاده (۱۳۸۹)؛ نقش زبان در هویت ملی، *دوفصلنامه علمی - پژوهشی دانشگاه الزهراء*، س ۲، ش ۳، صص ۱۵۳-۱۷۲.
- کریمی فرد، حسین (۱۳۸۸)؛ تحلیل سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران براساس مؤلفه‌های هویت ملی، *فصلنامه تحقیقات سیاسی و بین‌المللی*، س ۲، ش ۲، صص ۱۵۵-۱۹۰.
- کیاکجوری، سعید (۱۳۸۶)؛ عوامل مؤثر در هویت ملی دانشجویان دانشگاه پیام نور شیراز، *پیک نور*، س ۵، ش ۱، صص ۹۷-۱۱۰.
- لهستانی‌زاده، عبدالعلی و همکاران (۱۳۸۸)؛ بررسی عوامل داخلی مؤثر بر هویت قومی و هویت ملی در میان اعراب شهرستان اهواز، *جامعه‌شناسی کاربردی*، س ۲۰، شماره پیاپی ۳۳، صص ۴۵-۷۰.
- مجتهدزاده، پیروز (۱۳۸۴)؛ دموکراسی و هویت ایرانی، *اطلاعات سیاسی - اقتصادی*، س ۲۰، ش ۵ و ۶، صص ۴-۲۱.
- مرشدی‌زاده، علی و همکاران (۱۳۸۹)؛ بازنمایی هویت ملی و قومی در نشریات دانشجویی کرد زبان، در فاصله زمانی سال‌های ۱۳۷۶ تا ۱۳۸۴ (مطالعه‌موردی: دانشگاه‌های تهران، تبریز، کردستان)، *فصلنامه مطالعات سیاسی*، س ۲، ش ۸، صص ۷۵-۱۰۱.
- مقصودی، مجتبی (۱۳۸۰)؛ *تحولات قومی در ایران، علل و زمینه‌ها*، تهران: نشر نی.
- میلر، دیوید (۱۳۷۳)؛ *ملیت*، ترجمه داوود غزایاق زندی، تهران: انتشارات تمدن ایران.
- نظری، علی‌اشرف (۱۳۹۰)؛ احزاب سیاسی و هویت ملی: تأملی در کارکردها و چشم‌اندازها، *فصلنامه مطالعات ملی*، ۴۵، س ۱۲، ش ۱، صص ۷۳-۹۸.
- نقیب‌زاده، احمد (۱۳۸۳)؛ هویت ملی و عوامل بحران آن در ایران، در کتاب *هویت در ایران*، به اهتمام علی‌اکبر علیخانی، تهران: پژوهشکده علوم انسانی و اجتماعی جهاد دانشگاهی.
- نوجه‌فلاح، رستم (۱۳۸۳)؛ *هویت، واقعیتی ثابت یا سیال، در کتاب مبانی نظری هویت و بحران هویت*، به اهتمام علی‌اکبر علیخانی، تهران: پژوهشکده علوم انسانی و اجتماعی جهاد دانشگاهی.
- هرسیچ، حسین و مجید تویسرکانی (۱۳۸۹)؛ تأثیر مؤلفه‌های هویت‌ساز ایرانی بر قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران، *فصلنامه تحقیقات فرهنگی*، دوره سوم، ش ۹، صص ۱۵۱-۱۸۰.
- یوسفی، علی (۱۳۸۰)؛ روابط بین قومی و تأثیر آن بر هویت ملی در ایران، *تحلیلی ثانویه بر داده‌های یک پیمایش ملی، فصلنامه مطالعات ملی*، س ۲، ش ۸، صص ۱۳-۴۲.
- Anderson, B. (1991); *Imagined Communities: Reflections on the Origin and Spread of Nationalism* (revised and enlarged edition), London: Verso.
- Dikshitt R. D (1994); *Political Geography: The Discipline and its Dimensions*, New Delhi: Tata Macgraw Hill.
- Frith, S. (1996); "Music and Identity, In Hall S and Du Gay, P. (Eds), *Questions of Cultural Identity*", Sage Publications, London: PP 109-111.
- Geertz, C. (1973); *The Interpretation of Cultures*, New York: Basic.

- Gellner, Ernest (1994); *Nations and nationalism*, Oxford Press.
- Giddens, A. (2004); *Modernity and Self-Identity, Self and Society in the Late Modern Age*, Cambridge: Polity.
- Guibernau, M. (2001); Globalization and Nation-State, In Guibernau, M & Hutchinson, j. (eds), *Understanding Nationalism*, Cambridge: Polity Press, PP 242-268.
- Raudseppand, Inge and Vikat, Maie (2011); "The role of the phenomenon of joint singing in the development of national identity in Estoni"; *Procedia - Social and Behavioral Sciences*, Vol 29, PP 1312-1319.
- Smith, A. D. (1993); *National Identity: Ethnonationalism in Comparative Perspective*, London: University of Nevada Press.

